



روزنامه مهرت پسر مشهور و معروف

اردوی یون مجده سپردم صبح سوکب هاین تو چال شریف فریاد در گذار و با چه تو چال صرف نام فرمودند از وزارت جنگ بعضی عرض  
 بجا ظاهر که رسید پس زان بجای گاه مرگت نوکی از شکار گاههای البرز است شریف فریادند شکار با هم خورد و مندر کرده بودند قتل چنان  
 که در نظر داشتند یک شب توفت شود شریف فرمود داد قبول استرح فرمودند قوت فرور زانماست توفت کیشند و ده توفت کن در ده  
 پاتر دم از شکار بکیره و بنیادان شریف فریادند استقام عصر بار دوی شکار سما و دت شد این نده در گاه روز نامه شکار از خاک پای  
 مبارک رخصت یافته بشیران رشت

شبه چهار دم در سرب ده های بی توفت فرموده بلا حظ معروفات وزارت امور خارجه و وزارت جنگ و بعضی عراض دیگر اشتغال شدند  
 بزرای عظام و اعیان دولت شریف زمانی روز پاتر دم اعلام شد همیزانکی ضیاء الملک پشکار عربستان که تازه بدار افتاد الهی هر رسید  
 برای شرفیای استبان علی بنزل میرزا علیخان مشی حضور دارد شد شب شینستان هفت ارشد بعضی احکام متعلق بازندان و در بار کرد و در آخر  
 تقاضای داشت

یکشنبه پاتر دم از شکار بشیران فریاد شد همیزانکی ضیاء الملک پشکار عربستان در ب پرده برای هابی شرف تا کوس پشادی  
 از راه زابریا شت لوگانه غلب بود از حالات عربستان و سرطت حمزه و خط العرب سؤالات فرمودند و اطلاعات خود را معروض داشت  
 چون اطلاعات شمار الله و قدرت او در نظام آخند و مقبول برای مبارک بود و مقرر شد خود ضیاء الملک عربستان و بهر جرد و کیشاری معاد و دیگر  
 حالت حکومت سابق آن ساعات کاگان با تفسیر برقرار باشد در تو چال صرف نام فرمودند بعد از نامار از راه قله شریف فریاد شمران شدند و کل  
 موسم آب دره معروض داشتند چه شکار قوی همیش موجود است با آنکه تا قبل شکار کا شریف برده و بعد سنا احوال فرموده نقل فرور ناماست شکار نده  
 باز برای بشیران معادت کردند در پیمان که هستی دره حصارک و نظریه معتمد الملک اعضاء دلد و کشیکچی باشی و عیاشا السلطه وزیر علوم و سایر شرفین  
 رکاب منصور شرفی شرام داشتند چهار ساعت غروب مانده عبارت نادران فرورد و از زانی فرمودند مشیر الله وزیر عدلیه و و طایفه اوقاف  
 شرفانند و حضور کرده با بعضی او امر علیه مکانه مباحث داشت معروض ناماد که پس از بروز مرض و بار دار الحکومه که شرفانم حرم جلالت بریاد  
 شل و تحویل کردند این مرض در نادران شرفی ظهور کرد و دیگر و نگران عمل در ب حرم مابین ناخوشی تلف شدند مقرر کردید برای چند دوره توفت شمران و  
 رسیدگی امور شده که در نظر مبارک بود و عمارات و باغ اقدسیه که از شمران اندک کنی را داشت و بانسب تجردی دارد و توفت و دو سوم و هابون با  
 و نادران یکشب بیشتر توفت شود در این اثنا معروض داشت که حاجی پال خواججه سیدی حرمخانه هم بدین مرض در گذشت توفت یکشنبه نادران  
 مناسب ندیده حضورین روز با حدیث کوچ داد

دوشنبه شانزدهم با حضور روزی عظام اعیان بعضی او امر هابی و فی و قطع و فصل بعضی امور مشغول شده و حمزه داشتند که پیشی نادر دوی هابون نهم میقات  
 بشو رکاب که در جارج و دواج است حکم کند حضورین روز وجود مبارک که با تطیل بلا حظ عراضی نازش ناما و استقامت و دتی اشتغال داشت

سینه و قدم نیز خاطر مبارک برسد کی امور لازم و فتنه و دشمنی مشغول بود و مستند الملک مغرور شد درین سپهر شرم کاب مبارک باشد نظام الملک وزیر  
ایالت برای عرض سینه الملک و ایالت و بعضی مقام عالی شرف خوار مبارک بود و غیر الملک و حضرت ملوک از شرف و ایش حساب قدر  
کاب بود و سینه و خواجه سینه عسکر نظام شرف باشد از مبارک

شست و شوشه مردند

چهارشنبه صبح از راه سینه شرف کاب عزیمت شد در راه شاه سینه و شرف فرود و ملاحت هوا خوشگلی ملین مکان انفراد فرمودند هوای شهر  
و جلوه تیران عسار بود که در حالت هوا بسیار و اختلاف کراهی سینه و ملاحت بعضی عراض و وزارت امور خارجه و غیر مشغول شده و سینه  
فرموده حضرت که راه قندول و مشایخ عاتم نوپان است تیران ملک که در راه جانور دنده بود و شرف قدم فادان سینه  
هوای بنزل در نهایت خوشی و ملاحت بود و ساعت از شرف و شرفستان احضار شد تا غمی چند بلاحت کتب و بعضی فریاشات اخذ و در شرف

مشغول بود

لقد اشرف حال برین سون در مزره سابق سطور و غیر مستور که در دست که در کشتی کمانه و کسی کمال آتانه و چشمه طوری رام و آرام شده بود  
که تقصیر است سال هر یک را که شرف برست که میل داشت می کشید آن هم بعد از تقصیر و تجسس خبر آورده که گاه و گاه می شیر و اردو و بزاد  
و غری ماهه در یک که در کشتی سینه کمانه اند و شرفستان و ملاحت و ملاحتی از آنها حاصل میشد آنجا که در کشتی سینه در آن حال از مریز مطبوعتر  
بود و زیاده اول قطاب در راه شرفستان و طیفان و طیفان تا آنروز که چهار پنج بلوز است و آن بود و در آن سینه و در آن راه شرفستان  
دو شرفستان در راه شرفستان و در آن وقت تا آنکه در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
و در آن سینه بسیار خارجه میاید که در جوانی که در آن سینه بود که این دو جوان که در آن سینه بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
کار شکاری در شرفستان و برای پاس و حرارت و جوستان بسیار در کاب است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود  
نایم و در شرفستان که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
چنان شفاق است که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
ساخته و در آن سینه بسیار در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
مخند بندنی جهانم و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
برین زمان چلیکها را از میان و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
بعضی اسباب معاش و تهیه مسکن در کافیه شرفستان و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود  
من دوزن و سپهر لطف و کمال میل و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
اسپاسی که محض شرفستان و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
از آن بر آورده که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
روی نژاد اول با در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
نموده از این رطبه ایل خت با حل کشید آن کار شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
ذکر سابق تقدیر که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
ماتحت نقل عمل آزاد از در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
نزد سینه و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
شده سینه و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
خوایم شرفستان از آن کشتی که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
بود و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
ما و طفل که چک خود فراتر از او بود که در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود  
و این زنده و در شرفستان است و در آن سینه بسیار در شرفستان و در آن وقت که در شرفستان بود و در آن وقت که در شرفستان بود